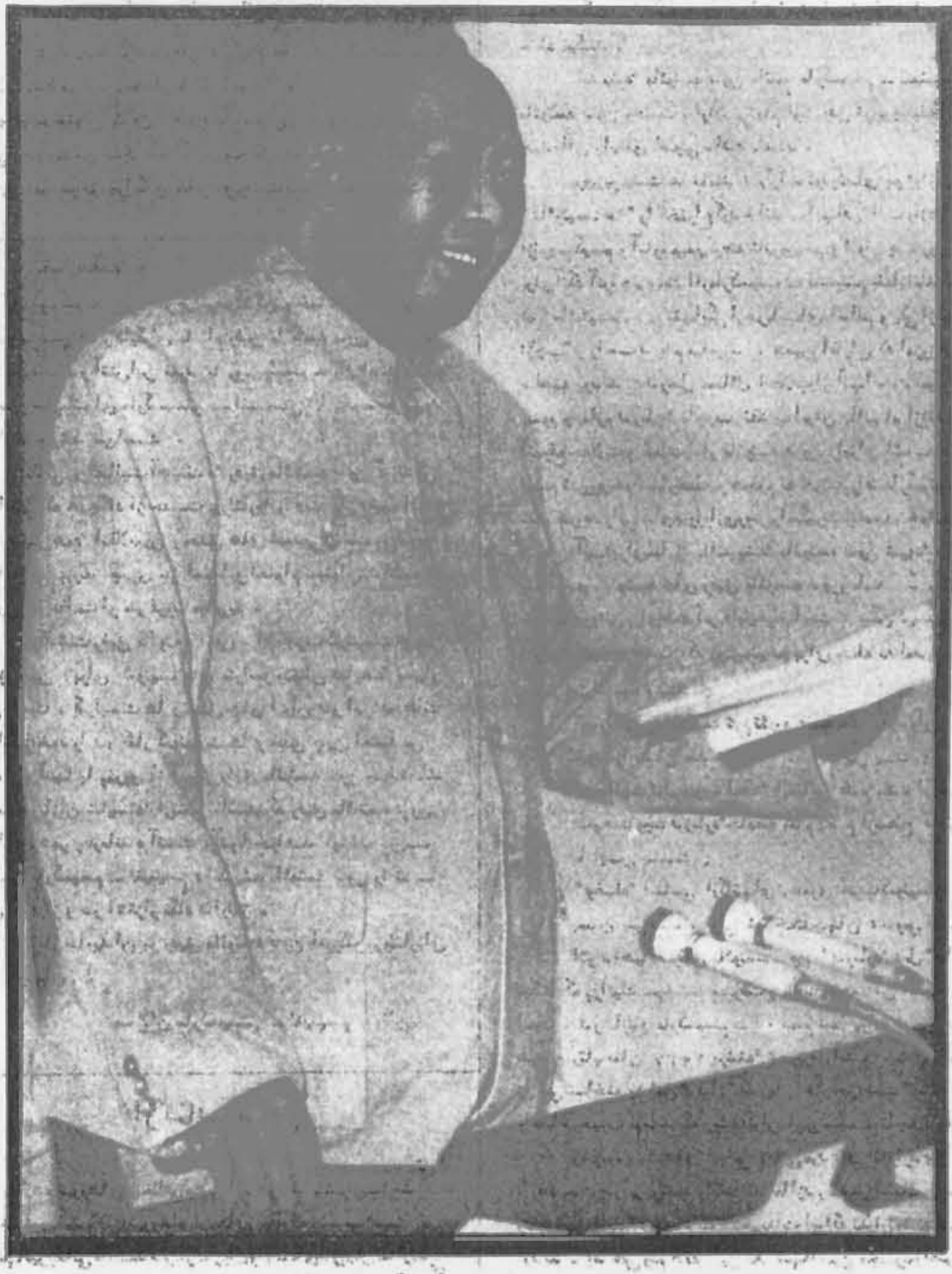


## افتخار جاودان بر رفیق مائوتسه دون



### « ماتم خود را به نیرو تبدیل کنیم »

#### نامه تسلیت سازمان توفان به حزب کمونیست چین

جمعه ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۶

به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین  
رفقای گرامی

خبر اندوهناک و هوار بزرگ شت رفیق مائوتسه دون، مارکسیست لنینیست بزرگ، انقلابی پرولتری تزلزل ناپذیر، آموزگار و رهبر خردمند حزب کمونیست چین و خلق چین، آموزگار عالیقدر پرولتاریای جهان و خلق های انقلابی، همه کمونیست های ایران و خلقها ایران را در ماتم و اندوه عمیق فروبرد. خلق چین و خلق های جهان با بزرگ رفیق مائوتسه دون دوست گرانمایه و غمناک خود را از دست داده اند.

در واقع سراسر زندگی و فعالیت این بزرگ مرد بزرگ خدمت به خلق، در خدمت به انقلاب بخاطر خلق گذشت. او خلق را دوست میداشت و به آن ارج فراوان میگذاشت. همه مشکلات انقلاب را با سرور و به توانای خلق میکشید. او به این حقیقت که خلق آفریننده تاریخ است ایمان عمیق و بی پایان داشت. او از میان خلق برخاست زندگی خود را در خدمت خلق گذراند و سرانجام در آغوش خلق جای گرفت. او توانست آرمانهای والای خلق چین را در یابد، راه نیل به آنها را نشان دهد و خلق را با بشی تا پایان انقلابی به پیروی رهمنون گردید. عظمت و بزرگواری رفیق مائوتسه دون در همین است. رفیق مائوتسه دون یگانوار راه نجات خلق چین را در پیش پای همه میداشت و با تحقق سوسیالیسم خلق چین را رهائی بخشید. او حزب پرافتخار کمونیست چین را تاسیس کرد. علیه گرایشهای چپ و راست در آن مبارزه برخاست. پیروز آنکه رهبری حزب بوی سپرده شد آنها برای مارکسیسم خلق کشانید و با مشی و آموزش انقلابی خود آنها به ارج عالیست ارتقا داد. او به ایجاد ارتش سرخ هیت گذاشت، آنرا بنیان خلق گردانید، در کوره نیردهای انقلابی آبدیده و آزوبه ساخت و به آن روح قهرمانی بخشید. او جمهوری تودای چین را پایه گذارد و از چین فرزند نیمه مستعمره و نیمه فئودال، چینی نین، کشوری سوسیالیست، نیرومند، در انقلاب جهانی پدید آید. همان چین نین درخشان و با عظمتی که پارها در آثار خود از آن یاد کردیم بود. او با انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی که خود مبتکر و رهبر آن بود، صدها میلیون خلقی چین را علیه رولینویسم علیه ایدئولوژی بورژوائی و سنت های پوسیده جامعه کهنه برانگیخت و عناصر هوادار مشی فد انقلابی را که در بالای حزب، دولت پرولتری و ارتش جای گرفته بودند در هم شکست، دیکتاتوری پرولتاریا را استحکام بخشید. مشی پرولتاریائی را بر تمام شئون جامعه مسلط ساخت. انقلاب فرهنگی ایدئوسمان مارکسیست لنینیسم و سوسیالیسم را کبه احیای سرمایه داری در چین دل بسته بودند به ناامیدی تبدیل گردانید.

همه دستاوردهای شرف خلق چین طی بیش از نیم قرن با نام، زندگی و فعالیت رفیق مائوتسه دون در آمیخته است. رفیق مائوتسه دون با انطباق خلق دانش پرولتاریا بر شرایط مشخص چین مارکسیسم - لنینیسم را تکامل بخشید و به مرحله عالیتری ارتقا داد. دفاع از

### اندیشه مائوتسه دون و رویزیونیسم

در پیش، سیمای رفیق مائوتسه دون آموزگار بزرگ و رهبر محبوب خلق چین چشم از جهان فرو بست و از کشور آرکیه تئوریک گرانبهرائی برجای گذاشت که مانند شعلی فروزان پرواه انقلابات پرولتاریائی پرتوی افکند و انقلابیون را در این راه رهمنون میسود. اینکه اندیشه مائوتسه دون روشنی بخش راه انقلاب است به این معنی نیست که کافی است آثار این انقلابی بزرگ را فرا گرفت برای آنکه راه انقلاب را از سر راه شناخت و مستقیم بود و بر بخورد با موانع و مشکلات در این راه به پیش رفت. رفیق مائوتسه دون خستود پیوسته کمونیست های چین را از چسیدن به فریبهای پیچید و افتادن در دام گمراهی بزرگتر داشته است و آنها را با ترویج مارکسیسم ختلاقی پرورش داد. وی سوسیالیسم خلق، مارکسیسم - لنینیسم زنده، سوق داده است. تمام آثار رفیق مائوتسه دون در انطباق با این اصل است که « باید واقعیت مشی را مد گرفت، قوانین را از آن بیرون کشید که در عمل راهنمای ما خواهند بود ». وی در همه حال، در تمام زمینه های شناخت با بکار بستن این اصل، قوانین و احکامی بیرون کشید که راهنمای عمل حزب کمونیست چین قرار گرفت و خلقی چین را به پیروی رسانید و اکنون نیز دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم را از دستبرد بورژوازی و ایدئولوژی وین حفظ میکند.

اندیشه مائوتسه دون چیزی جز مارکسیسم - لنینیسم نیست، ادامه و تکامل مارکسیسم - لنینیسم است. مارکسیسم - لنینیسم مجموعه تئوری ها و نظریاتی است که پایه تئوریک برای فعالیت عملی احزاب در مبارزه طبقاتی، در انقلاب پرولتاریائی و در ساختن سوسیالیسم است. مجموعه قوانین، احکام و اصولی است که احزاب کمونیست و کمونیست ها از آن در تئور و استراتژی و تاکتیک انقلاب راهنمایی میکند. اما برای تعیین استراتژی و تاکتیک اگر فرار کردن این قوانین و احکام و نظریات لازم و ضروری است ولی کافی نیست. باید بتوان این قوانین و تئوریها را بر واقعیت مشخص انطباق داد و در نتیجه باید واقعیت مشخص را درستی شناخت. تمام دشواری کار در شناخت واقعیت مشخص و پیوسته در توانائی انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر این واقعیت مشخص است. اینجا است که خلعت آفرینند مارکسیسم - لنینیسم بروز میکند. هر اثر آنست که دانش پرولتاریا تکامل مییابد و به قوانین و احکام و اصول تازه ای دست پیدا میکند تمام بزرگی و عظمت رفیق مائوتسه دون در اینست که دلهایه و با بهارت و روشنگاری مارکسیسم - لنینیسم را بر شرایط مشخص چین، بر شرایط کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال انطباق داد. اندیشه مائوتسه دون در این انطباق خلقی پدید آمد که اگرچه پارامی از قوانین و احکام آن اختصاص به کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فئودال نظیر چین دارد ولی در مجموع مانند مارکسیسم - لنینیسم جهانفصل است.

روینویسم دشمن مارکسیسم - لنینیسم و ناگزیر دشمن اندیشه مائوتسه دون است. حمله و هجوم رولینویست ها به اندیشه مائوتسه دون از مبارزه آنها علیه مارکسیسم - لنینیسم سرچشمه میگرد. آنها در مبارزه با

## فقط سوسیالیسم خلق های ایران را نجات خواهد داد

### از کتاب سرخ

" هر چه دیدیم، نو هموار از راه پریچ و خم و در مبارزه با مشکلات رشد مییابد. خیال باطلی است اگر فکر کنیم که با سوسال هم میتوان بدون برخورد با دشواریها و صبر و استقامت بر پیچ و خم و بدون صرف حد اکثر نیرو تحقق بخشید، و با فکر کنیم که کامیابی را با موافق برایگان میآوریم و موفقیت سهل و سبک به دست میآید."

نامه... بقیه از صفحه ۱ مارکسیسم - لنینیسم در برابر رینونیسم مدین، در برابر مرتدان و خیانتکارانی از قاطر خورشید و برونف و دیگران با نام رفیق مائوتسه دون پیوندی صیق دارد. در آتش این نبرد با رینونیسم مدین است که احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی با بحرصه وجود میگرددند و رشد مییابند.

زندگی و فعالیت آفریننده رفیق مائوتسه دون، زندگی و فعالیتی که هیچگاه از خدمت پرولتاریا و خلق باز نیستاد. الهام بخش همه انقلابیون و خلق های انقلابی است. در برابر این انقلابی بزرگ چیزی جز احساس احترام نمیتوان داشت. ما در برابر عظمت او سر فرود میآوریم.

در گذشت رفیق مائوتسه دون برای حزب کمونیست چین و خلق چین، برای کمونیستهای سراسر جهان ضایعه بسیار بزرگی است. کمونیست ها و خلق های ایران در این لحظات ناام و اندوه خود را در کنار کمونیست ها و خلق چین احساس میکنند. آنها با پیروی از آموزش رفیق مائوتسه دون خواهند کوشید سربازان شایسته ارتشی باشند که رفیق مائوتسه دون آموزگار و رهبر و فرمانده آنست، آنها خواهند کوشید پرچم ظفر من مارکسیسم - لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون را تا پایان سرفراز و در اهتزاز نگاه دارند.

افتخار جاويدان بر رفیق مائوتسه دون آموزگار پرولتاریای جهان!

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

### از کتاب سرخ

" هم نیروهای ارتجاعی و هم ما، هر دو با دشواریها و مشکلات روبرو هستیم. مشکلات نیروهای ارتجاعی بطرفی نشدنی است، زیرا آنها نیروهای هستند در شرف زوال و آینده ناپذیرند. از طرف دیگر مشکلات ما رفع شدنی است زیرا کمونیستهای و طبقه پرولتاریا درخشان در پیش داریم."

### در منطقه خلیج فارس

کفرانسیز ایران امیر خا وجه کشورهای ساحلی خلیج فارس همچنان موضوع روز است. این کفرانسیز میبایست روز ۳۰ مرداد ۱۳۵۵ در مسقط پایتخت عمان تشکیل میشد ولی بعد از این زومه پیش آمد که کفرانسیز ایران امیر خا وجه کشورهای ساحلی خلیج فارس در زمان تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جنایه اجلاس این مجمع در نیویورک برگزار خواهد شد. بالاخره وزیر مشاور عمان در امور خارجه چندی پیش اعلام داشت که تشکیل کفرانسیز به ماه نوامبر موکول شده است. علت تعویق بی دینی تشکیل کفرانسیز اختلاف نظریات کشورهای عربی خلیج فارس است و با حضور نیروهای نظامی ایران در امارت عمان بی ارتباط نیست. البته وزیر امور خارجه عمان تکذیب میکند که تعویق کفرانسیز به علت حضور ارتش ایران در عمان است و بر آنست که هیچ کشوری در این خصوص رسماً اعتراض نکرده است. اما عدم اعتراض رسمی به معنی رضایت نیست و این عدم رضایت کاملاً محسوس است و لولاً آنکه بصورت اعتراض رسمی تظاهر نکند.

نکته دیگر مورد اختلاف بر سر چگونگی " حفظ امنیت منطقه خلیج است. ایران و برخی از امارات خلیج فارس مثلا عمان جنبه نظامی قرارداد را برجسته میکنند و بر آنند که برای حفظ امنیت منطقه باید میان کشورهای خلیج فارس همکاری نظامی بوجود آید. ایران در همین حال به جنبه اقتصادی نیز توجه

اندیشه... بقیه از صفحه ۱  
نظا هر یک کند برای آنکه احکام و اصول آنرا منع کنند و از مضمون انقلابی تپن گردانند، در حالیکه بماند پشما توسته دون مستقر مای پروا حمله میکنند.

مارکسیسم - لنینیسم، به مارکسیسم - لنینیسم  
مائوتسه دون وحشت دارند و تمام قوت و فن تیز و روحیه لگری را بکار می اندازند. کما تراجیزی جز مارکسیسم - لنینیسم بنمایانند تا به دشمن خود با آن پایهای اصولی داده باشند.

روینونیست ها مانند دیگراید تولوگهای بورژوازی برای اندیشه مائوتسه دون واژه " مائوتیسم " و برای پیروان آن کلمه " مائوتیست ها " را اختراع کرده اند. آنها در قالب واژه " مائوتیسم " هر چه را که برده هان پلید شان میاید میریزند، هرگزایش انحرافی را از تروتمکسیسم و آنارشیزم گرفته تا تروریسم و انواع چپ روی در آن می گنجانند برای آنکه ماهیت انقلابی و مارکسیستی آنرا پوشانند و برای آنکه آنرا چیزی جدا از مارکسیسم - لنینیسم بنمایانند. رینونیست های ایرانی به امر فرمان ولینمندان روسی خود با پیشروی بر آنست که " مائوتیسم... تنها یکی از جریانهای ناسالم و یکی از پراهنها نیست، نقطه تلاقی بسیاری از آنها است" کنگریا نظریات گوناگون را از چپ و راست درهم میآمیزد. همین آقایان که امروز این دروغها و لاطافات را میگویند زمانی از آثار مائوتسه دون کتاب بالینی خود ساخته بودند، در حل مسائل انقلاب از آنها مدد می گرفتند، مانند طلاب علوم قدیمه هر که آنها را ساقها تفسیر میکردند، قطننامه پنجم چهارم درباره ماهیت انقلاب ایران با الهام از اندیشه های مائوتسه دون درباره ماهیت انقلاب چین شکل گرفت. آنها در آن موقع جملات و کلمات آثار مائوتسه دون را برای اثبات حقانیت نظر خود بر سر روری بکدی میگویند. اما اکنون که سوسال امیر خا لیسم شوروی خواستار حمله و هجوم به حزب پراقتدار کمونیست چین و جمهوری تپو دای چین است آنها بدنبال اربابان خود میروند و تمام هزینه رانی های بورژوازی روس را میگیرند و تحویل خوانندگان و شنوندگان میدهند و از اینکار شرم هم ندارند.

آنها برای مبارزه با اندیشه مائوتسه دون شیوه کثیف هیستری خود را بکار میبرند: دروغ جعل، تحریف، جزاین هم نمیتوانند باشد چون نوشته های رفیق مائوتسه دون مانند کوه در میدرخشد، درخششی که از ماهیت مارکسیستی - لنینیستی آنها آرد و جلالت سادگی و روانی برای همه کس قابل فهم است. ممکن نیست سخنان مائوتسه دون را آنطور که واقعا هست ذکر کرد و بخلت انقلابی مارکسیستی آنرا پوشانند. اینست که رینونیسم برای حمله به اندیشه مائوتسه دون باید به جعل و دروغ و تحریف بپردازد. به این سخنان پرمغز و زرق توجه کنید:

" در جهان فقط یک نوع تئوری، حقیقت دارد و آن تئوری است که از واقعیت یعنی بر خیزد و در محک واقعیت یعنی صحیحیت خود را نشان میدهد. " یا این یک:

" فعالیت تولیدی جامعه انسانی قدم از سطح بدنی به سطح عالی تکامل مییابد. بدین سبب شناخت بشر نیز از مرحله طبیعت وجه درباره جامعه قدم به قدم از سطح بدنی به سطح عالی یعنی از سطح بعضی و از یکجانبه به چند جانبی فرسده مییابد. " یا این یک:

" وظیفه اساسی ارگانهای رهبری حزب کمونیست در امر مهم است: یکی شناخت او خاع آنطور که هست و دیگر درست بکار بستن سیاست. اولی شناخت جهان، دومی نظیر آن."

اثر دهمیانه رفیق مائوتسه دون " درباره عمل " با زبانی ساده و با بیانی پرمغز و پرمضمون شما را به این حقیقت را هتالی میکند که پراتیک سرچشمه معرفت و محک صحت آن است. اثر بر ارزش او " درباره تضاد " بسط و تکامل اصل دیالکتیکی " تضاد " است. در تاریخ مارکسیسم - لنینیسم شما برای اولین بار چنین نوشته جامعی درباره تضاد بر خیزد، فراموش نکنید که این آثار هر دو در تابستان ۱۹۳۷ برشته تحریر و آمدند. اما رینونیست ها راضی نیستند که مائوتسه دون اصلا مارکسیسم - لنینیسم را نی شناخته به این دلیل که زبان خارجی عمده آنست و آثار بزرگان مارکسیسم نیز به زبان چینی ترجمه نشده بوده است! انسان واقعاً رعبت مییابد که روشنفکران اپروتونیست تا چه درجه میزنند در امتداد فروروند!

رینونیست های ایرانی زمانی مردمانی باور داری و با جنگ با استالین فرستادند تا " اشتباهات " اورانشان دهد و آنها با این کار فریضت بار آورده خود را با ختنند اما از رخشن استالین نگاستند، اکنون مزد و پیکری را به نبرد با اندیشه مائوتسه دون فرستاد هاند و دروغ و دروغها، جعلیات و تحریفات او را که تکرار نوشته های دی تولوگهای بورژوازی شوروی است با امواج رادیویی سراسر ایران پخش کردند. اما خلقی زخم همه این تلا شها اکنون مجبورند اعتراض کنند که اندیشه مائوتسه دون در اذهان انقلابیون ایران رضح عینی دارد و به توجیه میکند که از " مائوتیست ها " بر خیزد. رینونیست ها باید بدانند که در مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم به سر در خواهند آمد و اندیشه مائو مارکسیسم - لنینیسم است. آنها همچون سگانی میتوانند شب و روز غوغا کنند ولی مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون از نورافشانی باز نخواهد ایستاد.

مرکز رفیق مائوتسه دون را از جنبش کمونیستی جهانی ریزد، مغز مردی بزرگ از آریه با زیستاد اما مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه پرفروغ مائوتسه دون زنده است و زنده خواهد ماند و همچون مشعلی فرا راه مارکسیست - لنینیست ها و خلق هتالی انقلابی است.

مرکز رفیق مائو برای جنبش مارکسیستی - لنینیستی جهان ضایعه های بزرگ و دردناک است. اما مارکسیست - لنینیست ها و خلق های انقلابی ماتم خود را به نیرو بدل خواهند کرد و پرچم پراقتدار مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو را هواره سربلندند و سرفراز نگاه خواهند داشت.

" انسان ناگزیر میرود. ولی همه مرگها دارای ارزش مساوی نیستند. نویسنده باستانی چین " سیمایان " مینویسد همه کس میرود ولی مرگ یکی ممکن است سنگین تر از کوه " تایی " و مرگ دیگری سبکتر از پر قو باشد. مرگ بغا طر رفیع خلق سنگین تر از کوه " تایی " است. این سخنان رفیق مائوتسه دون که سراسر زندگی خود را در خدمت خلق گذراند بر ازنده شخصیت بزرگ او است."

احتمالاً جنبش های آزاد بخش خلق های منطقه طیه ابرقور و آمریکا نخواهد توانست جلو گرفت، اما چه بسا شاه با سیاست دیوانه وار و عظمت طلبانه خود وضع منطقه را آنچنان درهم ریزد که نفوذ سوسال امیر خا لیسم شوروی را تسهیل و پای او را بدینجا باز کند چنانکه در ایران باز کرده است.

### از کتاب سرخ

" حتی اگر موفقیت های عظیمی هم در کار خود بدست آوریم، باز هم هیچ دلبالی ندارد که بخود غره شویم و فخر فروریم. توانایی انسان را پیش میراند، و تکبر انسان را باعث میاندازد. این بین جفتی است که همیشه باید آنرا در نظر داشته باشیم."

دارد. اما کشورهای دیگر بر آنند که کفرانسیز باید فقط برای آزادی کشتی رانی در خلیج فارس بپردازد. آنچه برای کشورهای ساحلی خلیج فارس حائز اهمیت است همین آزادی کشتی رانی است که از جانب دولت ایران در معرض تهدید قرار گرفته است. بهیچوجه نیست که مرستان سعودی از هم اکنون در فکر آنست که لاطل برای مد و زلفت، خود را با امارات دیگر از آبهای خلیج بی نیاز گردانند.

سیاست امیر خا لیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس کسجری آن شاه ایران است، سرکوبی جنبش های آزاد بخش خلق های منطقه به منظور حفظ سلطه خویش و جلوگیری از نفوذ سوسال امیر خا لیسم شوروی در این منطقه است. شاه ایران اگر ده ها میلیارد دیگر هم به خرید اسلحه اختصاص دهد از

خطاب همه... بقیماز صفحه ۴

همی از تاراج ایران نبود و در ضمن از انقلاب سوسیالیستی ایران همی کرد ، در صلح کردن شاه این جلد وطن فروش شرکت دارد . سازمانهای جاسوسی آمریکا و شوروی و مستشاران بر رویه قوتور سازمان امنیت اند . همه امپریالیستها فرجاول و غارت خلقهای ط با هم وصلت داوند و شاه مطهر این وحدت است . ننگ و نفرت بر امپریالیستها یکنه و نو سرگ بر شاه طائن نوکر و سر سپرده بیگانگان . آزادی خلقهای ما تنها با بسنهای خوفناک حاصل می شود . اعتصابات و نظهرات و قیامهای کارگران و دهقانان شور وطن ما در سالها و روزهای اخیر ، مبتن محتبای گروه خلقهای ما است که آماده فرود بر فرق کثیف مزدوران امپریالیستها می باشد .

بر خیزید و به ما بیجا هنگام طیفه کارگر ایران به بیوندید تا حکام و متفکله خلقهای ایران را در صفی واحد و در راه انقلاب ایران بسج کنیم .

بر خیزید تا به همراهی خلقهای ایران بساط پنجاه سال حکومت ننگین و خیانتبار دودمان پهلوی را بر چینیم و ایران برای همیشه از چنگال جباران داخلی و خارجی برها نیم .

بر خیزید تا با هم سو جالیم را بر خرابه های دو هزار و پانصد سال حکومت زور و ستمگری بنا کنیم و در د به روان با ک همه شهیدان راه آزادی

فرود به همه زندانیان سیاسی

مرگ بر رژیم کثیف دودمان پهلوی

زنده و بهر روز باد توفان بر چنار انقلاب ایران

کمیته مرکزی سرخ تهران وابسته به

سازمان مارکستی-لنینستی توفان

"شنبههای... بقیماز صفحه ۴" دزدی و ارتشا و بازار - سیاه و... باین کشور بازگشته اند . کمبود ارزاق عمومی و مایحتاج روزمره مردم به یکی از مشکلات بیسابقه خلق شوروی تبدیل شده اند . نه فقط گوشت کباب است بلکه سبزی پخته ، مرغ و سایر اقلام نیز نایابند . اندازه نانها کوچک شده است فروشکاههای دولتی حتی سبب زمینی و بهاز هم ندارند . صف طول کم کم عادی شده است . بازار سیاه رواج یافته و از آنجا که قیمتها بالاست ، فقط قشر معدودی قادر به خریدن اجناس نایابند .

رشد ناراضی مردم درودسته برونفرار بر آن داشتند تا "چارهای" ببندیشند . در ماه مه اسامی سرانجام پیشنهادی از طرفی کاخ کرملین به مردم شوروی داده شد . بنا بر این پیشنهاد تزارهای نوین از خلق شوروی میخواهند که در هفته یکروز ( پنجشنبه ها ) از خوردن گوشت خودداری کنند . متعاقب این دستور ، اکنون مدتی است که فروشکاهها در روزهای پنج - شنبه از گوشت خالی اند . باین ترتیب روزهای پنجشنبه بنام "پنجشنبه" بدون گوشت لقب گرفته است !

بهروزهای نوحابینه شوروی برای آنکه خود را از خشم و غضب مردم در امان بدارد ، "شنبه های کمونیستی" دوران لنین را بر خ آنان میکند . از گوشت های مردم در آن دوران صحبت میدارد . مردم را دعوت به همکاری با دولت "سوسیالیستی" مینماید ، و این همه برای آنکه به وضع اسفناک کنونی که نتیجه ناگزیر سلطه خائنانه اوست سرپوش گذارد . به همین خاطر دست بدامان گدشته میشود . اما کیست که نداند کبوی مدتهاست سنتهای گدشته را وثیقه سبهاکریهای حال و آینده قرار داده است ؟

اگر "شنبه های کمونیستی" در دوران جنگ و پسرای مقابله با معضلات ناشی از آن ، با ابتکار توده ها و بدست آنها و از پائین صورت گرفت ، این پنجشنبه های روزیونیستی برای رفع معضلات کنونی و با ابتکار بهروزهای نوحابینه شوروی ، بدست آنها و از بالا ارائه داده شده است . اگر آن یکسی تلاش بود انقلابی برای حفظ سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا ، این دیگری یک نمونه از کوششهای ضد انقلابی است برای حفظ سرمایه داری و دیکتاتوری بهروزهای . اگر آن یکی در دست بود تا پرولتاریا را نجات دهد ، این یکی در صدد است تا بهروزهای را از شر معضلاتی که نتیجه سرشت استیلای اوست رهاکی بخشد .

ولی اگر شنبه های کمونیستی توانست به اهداف خود دست یابد ، پنجشنبه های روزیونیستی و شعبده هائی نظیر آن هرگز نخواهند توانست به اهداف یابید خود دست یابند . تظاهرات عظیمی که اخیرا بهین مناسبت در روستو و کسپف بوقوع پیوست بیان روشن این واقعیت است .

خلق قهرمان شوروی که نمونه رفاه و آسایش خلق ۸۰۰ ملیونی جمهوری توده های چین را می بیند و از پشتیبانی و پشتیبانی خلقهای شیفته آزادی و استقلال برخوردار است سرانجام بها خواهد خواست . وی هانگونه که با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ ، جهانی را بوجد و سرور کشانید ، اینبار نیز با انجام بخش دوم این انقلاب جشن پیروزیند احیای سوسیالیسم را بها خواهد خواست .

تصحیح

در مقاله "بازگشت به عقب" توفان شماره ۱۰۸ بجای اصطلاح "چراغ الله" اشتباها "چراغ آتش" آمده است که خوانندگان خود حتما بان بی بردمانند .

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY  
حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

این گناه ورزشکاران واقعی نیست که ورزش ایران در منزل در تمام مسابقات شکست خورد ، این گناه رژیم است که فساد و تباهی در درگ وریشه آن رسوخ کرده و به علت خصلت ارتجاعی و ضد خلقی خود به کوچکترین کار مثبتی قادر نیست . ورزش ما نیز مانند تمام زمینه های اجتماعی دیگر سیرتقراری پیورده است . علت شکست ورزش ایران در المپیک خودروهم است . مشکل این شکست و شکست های بی حساب دیگر شاه ، خاندان پهلوی و بهروزهای حاکم است که همراه با حامیان امپریالیست خود سد راه ترقی و تکامل کشور باد تمام شئون می باشند . شکست ورزش ایران شکست ورزشکاران واقعی همین صا نیست . برای اینان که خود در آتش آن میسوزند و به وضع ورزش در ایران و اوضاع نابسامان "سازمان تربیت بدنی" قوفی کامل دارند این شکست بهیچوجه غیر منتظره نبود . از رژیم شاه انتظار کوچکترین موفقیت خطا است . شکست المپیک شکست رژیم شاه است . افشاگری عرضگی و بی لیاقتی رژیم در سطح جهانی است و بهین جهت نمیتواند مایه شادمانی نباشد شاه ، برعکس ، از شکست منزلت به خشم آمد و بلافاصله دستور انحلال "سازمان تربیت بدنی" را صادر کرد تا بعد اوزارت بنام "وزارت جوانان" تاسیس کند . مثل اینکه صحبت بر سر کلمات و الفاظ است و اگر "سازمان تربیت بدنی" به "وزارت جوانان" تغییر نام دهد گویا فرق بی خواهد گشت و ورزش ایران سر و صورت خواهد گرفت .

شاه از هم اکنون برای جوانان خواب تازمای دید ما است نه برای آنکه روح و جسم آنها را بهرورد بلکه برای آنکه روح و جسم آنها را بخدمت خویشی گیرد . هیئات! جوانان پرشور و خور ما چه در مقطع مبارزه مسالمت آمیز و چه در مقطع مبارزه مسلح ، چه در داخل کشور و چه در خارج نشان داده و میدهند که آنان را نمیتوان رام کرد ، نمیتوان خشم مقدس آنها را نسبت به شاه و رژیم منقرش فر و نشانند . شاه این امید را که از جوانان نیروی آرام و سیرت مبارزه بگری خواهد برد .

از کتاب سرخ

"دولادین واقعی که است؟ این دولادین توده ها هستند ، ملیونها میلیون توده مردم که با صمیمیت و خلوص نیست از انقلاب پشتیبانی میکنند . اینست آن دولادین واقعی که هیچ نیروی رابارای درهم شکستن آن نیست ؛ ضد انقلاب قادر بدرهم شکستن آن نیست ، ولی بعکس آنها را درهم خواهیم شکست . با گرد آوردن توده های ملیونی مردم بدولت انقلاب و کمترین جنگ انقلابی ، ما خواهیم توانست ضد انقلاب را محو و نابود سازیم بر سر اسرجین را به تصرف در آوریم ."

از کتاب سرخ

"سیاست مید حرکت کبیه فعالیت های ملی یک حزب انقلابی است که در پیروسه و در نتیجه نهائی فعالیت های حزب تبلور میابد . یک حزب انقلابی در اتمام بهر عملی اجبارا سیاستی اتخاذ میکند و در صورتیکه از اتخاذ یک سیاست صحیح سر باز زند ، بناچار سیاست اشتبا فامیزی در روش میگیرد و چنانچه سیاست موجود را آگاهانه اجرا نکنند بناچار آنرا کورانه بمرحله عمل در میاورد . . . قبل از آنکه عملی انجام گیرد نایاباید سیاستی را که طبق شرایط موجود فرمول بندی کرد ما می برای اعضای حزب و توده ها بروشنی تشریح کنیم . در غیر این صورت اعضا حزب و توده ها از راهنمائی های سیاسی حزب مایه و خواهند ماند ، کورکوانه عمل خواهند کرد و سیاست اشتباه آمیزی را اجرا خواهند نمود . ( تکیه از صا است ) ."

المپیک... بقیماز صفحه ۴  
ما را نیرومند و تندرست پرورش دهد و وسائل لازم برای سلامتی و پرورش جسم در اختیار آنها بگذارد . درباری که خود بخاطر پول که هیچگاه چشم تنگ او را بر نمیکند ، مواد مخدر و رادرومان جوانان شیوع میدهد تا از آنها عناصری ضعیف و زبون بسازد نمیتواند اقدامی در جهت سلامتی و نیروی جوانان بعمل آورد . سازمان تربیت بدنی " که برادر زد و ولاد شاه بر آن نظارت دارد چنین وظیفهای برای خود نمی شناسد .

"سازمان تربیت بدنی" وسیلهای است برای آنکه کامیابگامی در راه آن قرار گیرند و بودجه آنها بدرد نهد و حریف و میل کنند بخشی از آنها و بخش کلان آنها بدستی به برابر شاه تقدیم دارند . و همی هم خود را از آن بیرونند . تا در نتیجه این سازمان ملی ده تا پانزده سال اخیر جاکلی از صحبت این امر است: "سازمان تربیت بدنی" در ضمن مجال وسیلهای تبلیغاتی در دست شاه است برای آنکه "قهرمان" تربیت کند که قهرمانانی که در صحنه بین المللی بدالبهای طلا را در روکنند و آوازه رژیم شاه را به اقصی نقاط عالم برسانند .

چه بسا ورزشکاران شایسته بعلت طبع سرزگی خود و به علت فساد و خرابی دستگاه از تمرین محروم میشوند با همه مسابقات بین المللی راه نمی یابند و در عرض برخی نورچشمی ها بعنوان ورزشکار و قهرمان برای تفریح و خوشگذرانی بعنوان سیاهی لشکر به المپیک منزلت فرستاده شدند . اکثریت ورزشکارانی که به المپیک اعزام گردیدند از حد نصاب لازم برای شرکت در مسابقات تا چه رسد به درو کردن "مدالهای طلا" براتب پائین تر بودند معدلک آنها را به منزلت فرستادند تا در مسابقات شرکت جویند . همین طبعیاتی که امروز بر روی شکست انگشت میگذاردند خوب میدانستند - او هرکس آنها را که کیفیت ورزش ما در سطحی نیست که بتواند بر سطح جهانی عرض اندام کند .

مبارزه بخاطر استقلال از مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم جدا نیست

بناسبت پنجاه سالگی دودمان پهلوی اعلامیه های چند ی  
از طرف سازمانهای توفان در ایران بخش شده  
است. مادرین یکی از آنها را می آوریم .

## المپیک - افشاگر رژیم

بازنهای المپیک موزرال سطح "پیشرفت" رژیم شاه را این  
بار در زمینه ورزش "لخت و غیران" به جهانیان نشان داد .  
در روزها و لافزنیهای شاه و سردمداران رژیم را بر ملا کرد .  
ورزش ایران در بازنهای المپیک آنچنان وامانده از آب درآمد  
که همه آنرا بهاد استهزا و ریشخند گرفتند . مطبوعات ستایشگر  
رژیم نیز نتوانستند با محافل المپیک هندوستان نشوند .

ایران در بازنهای آسیائی مقام دوم را پس از ژاپن  
احراز کرد . همه فکر میکردند که در بازنهای المپیک نیز در مقام  
شامی قرار خواهد گرفت . در زمان بازنهای آسیائی مطبوعات  
با تیغتر نوشتند که ورزشکاران ایرانی مدالهای طلا را در  
کردند . و انتظار داشتند که در بازنهای المپیک نیز چنین  
باشد . اما چنین نشد . ورزشکاران آنطور که در واقع هست - در  
رژیم شاه هم جزاین نمیتواند باشند - همانطور خود را نشان داد  
در زمان بازنهای آسیائی در پشت پرده رزمه هائی بگوشی  
میخورد . یعنی بر اینکه در هائی با دریافت "هدیه" جانبازان  
را میگرداند . حادثهائی که با ورزشکاران کره شمالی پیش آمد  
این رزمه هارا تایید میکرد . رژیم شاه برای کسب افتخار  
ظالمی در مقاس جهانی از بسط فساد به محیط ورزش بین المللی  
نیاز پهلوانی ندارد . او وقتی خبرنگاران ، هنرمندان و دیگران را  
با دادن هدایا و پذیرائی های مجمل به نوشتن مقالاتی در  
ستایش از رژیم و خود او وامیدارد چرا در صحنه ورزش از این  
"شوره" مرضیه اهرافش کند . بازنهای المپیک نشان داد که این  
رزمه ها واقعیت داشته است و اکنون روزنامه "آیندگان" که از  
ششونهای تبلیغاتی رژیم است در انتقاد از "رئیس دار الخلافه  
ورزش" سرسخته میخواند ؟ مگر این جناب نمیدانست که مادر زاده  
های خانگی و با لطف داران که همیشه شامل حال میزبان  
است در فضی از ورزشها در بازنهای آسیائی به مزه افتخار  
رسیده اند (تکیه از ما است) . همه میدانند و نویسنده "آیند  
گان" هم - که "لطف داران" در بازنهای المپیک موزرال شامل  
حال میزبان نشد و اگر در ایران داورانی میزبان را مورد لطف  
قرار دادند نکتت آنها باید در جای دیگری جستجو کرد ؟  
مطبوعات رژیم که حالا "رئیس دار الخلافه ورزش" را آدمی  
بی بصیرت در امر ورزشی میشمارند ، پیش از سفر ورزشکاران  
ایرانی به المپیک با صاحب هائی که با "قهرمانان" برآمدند  
مردم را به "دور کردن" مدالهای طلا وعده دادند و افکار  
را باز دیگر فرستاد . اما اکنون بیخاست ورزش ایران را در روی  
دائرة میبینند . "آبروی" شد و ما که میخواهیم و نشانها  
بزرگوارکننده المپیک باشیم آنچنان در المپیک موجب خند موزر  
کارشناسان ورزشی کشورهای خارج شدیم که هتکی با نگتاه  
استقام آمیزی از یکدیگر سوال میکردند برایش کسوی گتاه  
ورزشی تا به این حد گرفتار نابسامانی است آیا میتواند اصولا  
بزرگوارکننده یک المپیک باشد ؟

روزنامه "رستاخیز" نیز از همکاران دیگر خود عقب نماند .  
"ورزش ما در روز درست همان کاری را کرد که امروز آقای لختی  
در وسط میدان به آن دست زد . ورزش ما جلوی چشم تمام  
المپیک لخت شد و گفت آقایان ، خانم ها به بینید و تماشا کنید  
این همان صاحب مقام دوم آسیا است که از آنچه طلا بازی و  
طلا سازی یک مدال نقره آمیخته به اتفاق و یک مدال برنز شیرانه  
و دلیرانه باخورد از موزرال به تهران میرد " و سپس ادامه  
میدهد : چه برهنه هائی پیدا میشوند که میتوانند همیشه پرده  
پوشان و پرده داران و اصحاب پرده و حتی حرفان پشت پرده  
با رقصی شادمانه بگریه که در پس پرده میخورند و جملاتی  
نیست که در باره پشت پرده اینچیز پیشبرد خوانی شود .  
نویسنده گمان میکند که شاه و سردمداران رژیم "اینچیز  
پیش پرده خوانی" میکنند درست برای آنکه پشت پرده چیزی  
نیست . آنها میخواهند بدو بخولانند که در پشت پرده چیز  
های بسیاری است ولی گاهی حوادث ، مانند المپیک پته آنها را  
پرویی آید .

در ایران "میزبان تربیت بدنی" بقیه در صفحه ۳

## خطاب به همه انقلابیهای ایران

بر عزیز و به توفان پرچمدار انقلاب ایران به پیوندید  
انقلاب بر ما میروید . خلقهای ایران دیگر نمیتوانند حکومت یک مفت مزد و خائن را تحمل کنند . جان  
مردم از اینچیز زور و خجالت و مضمری و جنایت به لب رسیده است . شاه این دیوی که با کودتای  
ننگین ۲۸ مرداد زاده شد ، به دستخوری عده ای مملوم الخال ، جان و مال و ناموس مردم ایران را به  
تاراج داده است . بهترین جوانان ما را گزیده به شکنجه گاهها و با به بای چوبه نار می فرستد .  
ما مورین جناختکار او در روز روشن فر کارخانهها ، عیالها و منازل مردم بی گناه را به گلوله  
می بندند . مردمی که نان ندارند ، طاقه ندارند از بهدانت و فرهنگ و هر چیزی که در خور انسانهاست  
حرومند . فقر و سیه روزی میبگاید تا این حد در ایران شروع نیافته بود . کارگران به نان شب  
محتاجند و اگر مدایمان در بیاید فوراً سازمان امنیت آنها را به گلوله می بندد و سر خون غرق میکند  
دهقانان از بی غذایی گشته گشته به شهرها می آورند و در شهرها نیز بنیهای نمی یابند . در  
عرض زمینهای آباد مملکت همه قزاقان اسرائیلیها و آمریکائیها و با گروهی ارباب مفتخوار است .

فساد و رشوه خواری در مملکت بهداد می کند . راهبر و تله و بزین ، سینهها ، جلات و همه دستگاههای  
تجلیفاتی خانان پهلوی شب و روز سرگرم نشر دروغ و فساد افغان هستند . سازمان امنیت این پناهگاه  
مفتی نزد و چاقو کش ، بدین جوانان وطن ما هروشن و تریاک بخر می کند و از تجارز به جان و مال و  
ناموس مردم ابلتت ندارد . در عین حال شاه که با نسیه ۱۹ میلیون دلار انگلیس و آمریکا به حکومت  
رسید در برابر شکمهای گرسنه و تنهای بیمار خلق ما ، بی کمال وقاحت میلیاردها دلار در آمد مملکت  
را دویستی تقسیم اربابان امیرالمستخود می کند . او تمام شئون وطن ما را به بیگانگان سپرده است  
و برای آنکه ایقان در چارل نیروهای وطن ما آزاد باشند ، بساط خود گامگی گسترده است امروز اگر  
کسی نام قانون را هم ببرد به زندان می رود . پنجاه سال حکومت حکومت دودمان پهلوی همه ننگ است و  
خیانت و جنایت . نصاب این همه کاران آنقدر زیاد است که نمی توان برشمرد این ننگ را باید بسرا  
بهمراهی خلق ایران ، متفکر و مسلح و به رهبری حزب بیستار طبقه کارگر ایران برمی آوریم .  
تاریخ پاک کرده ، خلقهای ایران برای زودتر حکومت دودمان سیاه پهلوی بزودی بر خواهند خاست . شاه  
که از چمن روزی وحشت ندارد ، در بیای وطن ما را بروی همه تاراج گران باز گذارده است و در مقابل از  
آنها اسلحه میگیرد ، کمک میگیرد و برای اها به سلطنت دودمان کتف پهلوی ، به فراستعمارگری ، به  
آمریکا و عوروی ، به انگلیس و فرانسه و آلمان ، به هر کسی که بتواند پشتیبانی باشد تکیه می کند .  
آمریکا میباید لگری که بفت خلقهای قهرمان هندوچین به زانو فرآید ، شاه را تا دندان مسلح می کند  
و شاه هم برای خونسردی جوانان ما را غلای کر به جنگ خلق دلهی طهار می برد .

## « شنبه های کمونیستی » و « پنجشنبه های رویزیونیستی »

بسرعت رواج یافت . طوینها نغز زحمتکاران شهر و ده دسته  
در سه روزهای شنبه مجانای برای دولت به کاری پرداختند و این  
وسيله با افزایش بهره دهی کار اوضاع نابسامان اقتصادی را  
بهبود می بخشیدند .

لنین بزرگ در این زمینه میگوید : « شنبه های کمونیستی  
کارگران راه آهن مسکو - غازان یکی از عناصر جامعه نوشتن  
سوسیالیستی است که رهائی از یوغ سرمایه و جنگ را برای تمام  
خلقهای کره زمین بهارنمان میآورد . . . و سپس ادامه میدهد که :  
" این کارگران زحمتکارانی هستند که در شرایط بینهایت دشوار  
بسر میبرند و آنوقت این کارگران گرفته که در احاطه تبلیغات  
جدا افتادگی و کین توزانه بورژوازی و خشوک ها و این ازها هستند  
" شنبه های کمونیستی " برپا میدارند " و بدون هیچگونه چشم  
داشتی بطور خوبی انعامه کار میکنند و با وجود آنکه خسته ،  
رنجور ، بیبرق و نیمه گرسنه هستند ، ناطح بهره دهی کار را  
بمیزان عظیمی بالا میبرند . . . مگر این بزرگترین قهرمانیها نیست ؟  
مگر این آثار طول داری اهمیت تاریخی جهانی نیست ؟ " .  
سرانجام نیز طبق رهنمودهای « اھیانه » لنین کبیر و  
بهت توده های طوینی خلق ، دشمنان در هم شکسته شدند ،  
مهد سوسیالیسم نجات یافت و اقتصاد سوسیالیستی تشکیل شد و  
کشور شواراهاناری کار آمدن ، در دست مرتد خروشتد و چون  
شعلی خیزان ، انوار آزادی و سوسیالیسم را در سراسر گیتی  
ساطع ساخت .

از آن تاریخ تاکنون ۷۷ سال میگذرد . کشور شواراهان  
بلافاصله پس از کودتای شفق خناصر ضد انقلابی در راه سرمایه  
داری گام گذارد و هم اکنون پس از انحصار کامل سرمایه داری به  
یکی از بزرگترین استثمارگران و شکارگران جهان گوی تبدیل  
شده است .  
در نتیجه اجبای سرمایه داری در روسیه - قطعی ،  
گرمشک ، کمبود مواد غذایی و همراه با سایر بلاهای جامعه  
سرمایه داری نظیر احتکار ، تبعیض ، بقیه در صفحه ۳

در اوایل سال ۱۹۱۹ کشور جوان شواراهان برای دفاع  
و بازستاندن ولگا ، اورال و سیبری جنگ سختی را بر علیه  
کجاک به پیشبرد . کجاک با پشتیبانی امپریالیستهای  
انگلیسی و فرانسوی به بیرونهای نائل آید بود و متصد  
بود تا حکومت جوان شواراهان را در نقطه خفه سازد .

اوضاع اقتصادی کشور تحت تاثیر جنگ ، قطعی و عقب -  
ماندگی شدید کشور بسیار وخیم و نابسامان بود . قطعی ، کمبود  
خوراکیه گرسنگی و فقر پیدا میکرد . در چنین شرایطی دفاع  
از زمین سوسیالیستی ، پاسداری از سوسیالیسم و پیروی بر  
دشمنان داخلی و خارجی مستلزم حداکثر فدائاری ، از خود -  
گذشتگی و جانفشانی در راه آرمانهای حزب و دولت بود .

تحت رهبری آرزود " حزب کمونیست بلشویک و لنین بزرگ  
مسئله راه نجات برای افزایش بهره دهی کار ، تقویت جبهه جنگ  
بر علیه دشمنان و پیروی بر آنان مسئله روز سراسر کشور تبدیل  
شد . روز هفتم ماه مه در یک جلسه عمومی که از کمیته شواراهان  
ران آنها تر بخش راه آهن مسکو - غازان تشکیل شد این  
مسئله مطرح شد که حیایست از گفتار در تاراج کک به پیروی  
بر کجاک به کردار پرداخته شود . پیشنهاد زیر بصوب رسید :  
" نظر به وضع دشوار داخلی و خارجی و به منظور تقویت برداشتن  
ظرفی ، کمونیست ها و هواداران آنها باید بازم بر شدت  
فعالیت خود بیفزایند . . . در روزهای شنبه بطور اضافی  
۶ ساعت کار جسمانی انجام دهند تا بدینسان یک ارزش واقعی  
حاضر و آماده بوجود آید . از آنجا که کمونیست ها نباید از  
صرف نیروی جسمانی و بدل جان در راه انقلاب دریغ ورزند  
کار مزدور میبایست مجاناً انجام گیرد . پیشنهاد میشود که " شنبه  
کمونیستی " تا انحراف کامل پیروی بر کجاک در سراسر ناحیه  
معمول گردد ."

حزب بلافاصله این پیشنهاد را بهتیت گفت و لنین کبیر با  
شور و شعف در خصوص اهمیت آن سخن گفت . بدین ترتیب  
" شنبه کمونیستی " نه تنها در سراسر ناحیه بلکه در سراسر